

تاثیر فقر بر تحصیلات دانش آموزان سیستان و بلوچستان

زینب اوخیری^۱، حمیدرضا عباسی^۲

^۱ کارشناس علوم اجتماعی، دبیر آموزش و پرورش.

^۲ دکترای روانشناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان.

نام نویسنده مسئول:

زینب اوخیری

چکیده

فقر یک معضل جهانی به شمار می رود که بیشترین بسامد را در کشور ایران دارد. آسیب هایی که ناشی از فقر است به وفور بیشتر هستند نسبت به دیگر متغیرات جهانی. در مرزهای جنوب شرقی کشور هر چند در بهترین موقعیت اقتصادی قرار دارد اما به دلیل بی توجهی به آن، فقیرترین استان کشور ایران به حساب می آید. استان سیستان و بلوچستان هر چند قسمت پهناوری از کشور ایران را دربر می گیرد اما چون در گوشه ای از کشور قرار گرفته است دور از چشم مسئولین می باشد و این عدم توجه به آن، مشکلات زیادی را برای ساکنین آنجا به خصوص قوم بلوچ به وجود آورده است. از عمده ترین مشکلات مسائل آموزش و پرورش می باشد و این در حالی است که تمامی عقاید و فرهنگ ها رابطه ای تنگاتنگ با آموزش و پرورش دارند. این بی توجهیات تا جایی پیش رفته است که استان سیستان و بلوچستان دچار فرهنگ فقر شده است و رهایی از این مشکل بسیار دشوار و متحمل زحمت های زیادی می باشد که باید با تلاش مسئولین صورت گیرد. یکی از مهم ترین آسیب هایی که فرهنگ فقر برای مردم بلوچ به وجود آورده است بازماندن از تحصیلات می باشد و در سنین بین ۹ تا ۱۸ سال مانع از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بلوچ گردیده است و حتی این معضل باعث ترک تحصیل دانش آموزان زیادی شده است.

واژگان کلیدی: فقر، سیستان و بلوچستان، دانش آموزان، تحصیلات.

مقدمه

رکود جهانی، رشد اقتصادی نامتوازن در جهان، بحران‌های خشکسالی، کمبود آب و بیکاری حاصل از تورم اقتصادی، متغیرهای مرتبط با فقر هستند که می‌توانند از کانال‌های متفاوتی زمینه‌ساز آغاز و ادامه تروریسم جهانی به حساب آیند. با رشد سلفی‌گری و افزایش قدرت افراط‌گرایان در ناامن کردن کشورهای جهان، ایران که در بحرانی‌ترین منطقه جهان قرار گرفته با مشکلات امنیتی متعددی مواجه است و یکی از مهم‌ترین این مشکلات امنیت مرزهای جنوب شرقی کشور است. وقتی که چنان ناامنی در استانی به وجود آید و از لحاظ اقتصادی با دیگر استان‌های کشور در محدودیت قرار گیرد این زمینه‌ای می‌گردد برای انزوای اجتماعی و بروز گرایش‌های افراطی در فرد فرد آن جامعه. استان سیستان و بلوچستان در نابرابری اقتصادی با دیگر استان‌های کشور ایران دارای بالاترین جمعیت بی‌سواد می‌باشد زیرا فقر و نداشتن عوامل اقتصادی رو به رشد باعث شده است که کودکان و جوانان نتوانند به رشد فکری و فرهنگی خود بیاورند. وفور مهاجرت قشر افغان به این استان و قاچاق مواد مخدر از معضلات جدی به شمار می‌آید که زمینه‌ساز فقر و نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد. زمانی که زمینه‌هایی برای تحصیلات فراهم نباشد و افراد جامعه نتوانند برای خود فرهنگی غنی بسازند آن جامعه رو به زوال و نیستی می‌رود و بهترین راه برای فرهنگ‌سازی ارتباط با آموزش و پرورش می‌باشد. جامعه‌ای که ارتباطی با آموزش و پرورش نداشته باشد خود به خود از بین می‌رود و این فقر سیستان و بلوچستان رابطه کودکان و جوانان را با آموزش و پرورش بسیار محدود کرده است. انسان موجودی اجتماعی است به همین دلیل برای اینکه بتواند بسیاری از نیازهای خود را برآورده کند نیازمند این است که با دیگران ارتباط برقرار کند. تنوع نیازها موجب گسترش نهادهای اجتماعی شده است. یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی که مسئولیت انتقال عناصر فرهنگی را به نسل نواخته جامعه بر عهده دارد، آموزش و پرورش است.

بیان مسأله

همنویای اجتماعی در هر جامعه‌ای در گرو تربیت رسمی و انتقال موارث فرهنگی به نوباوگان است که امروزه در مدارس گوناگون و بر اساس اهداف خاص و خط‌مشی‌هایی تعیین شده است. بدیهی است که این فسی جدیدی در راه اجتماعی شدن از طریق آموزش و پرورش با مشکلات و معضلاتی که موجب عدم موفقیت آنان در راه رسیدن به اهداف فراهم می‌کند دست به گریبان است. از مهم‌ترین آفت‌های نظام‌های آموزش جهانی و من جمله در کشور ترک تحصیل است که همه ساله به صورت‌های گوناگون تعداد بسیاری از استعدادهای بالقوه انسانی و منابع اقتصادی جامعه را هدر داده و نابسامانی‌های فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. بنابراین دست‌اندرکاران عوارض ناشی از افت تحصیلی را در چند جنبه مورد بررسی قرار داده اند که مهم‌ترین آن از نظر اقتصادی است زیرا در طول تحصیل اغلب خانواده‌ها به دلیل استمرار وجود مدرسه و مشغله‌های زندگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی پیش آمده کمتر وقتی برای برنامه‌ریزی اقتصادی آموزش فرزندان خود دارند و هنوز این برنامه در زندگی خانواده‌ها جایی پیدا نکرده است. آنان زمانی به اهمیت قضیه پی می‌برند که با ترک تحصیلی یا مردودی فرزندان مواجه می‌شوند و اینجاست که به عمق فاجعه آگاهی می‌یابند. بدون تردید هیچ نظام آموزشی نمی‌تواند صد در صد به اهداف آموزشی خود برسد ولی موفق بودن هر نظام آموزشی نزدیک تر شدن هر چه بیشتر اهداف تعیین شده بستگی دارد. برای نزدیک تر شدن به اهداف نظام آموزشی حتما باید عوامل مؤثر بر ترک تحصیل را شناخت و اثرهای آن را کاهش داد.

در دوران کنونی آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هر کشور به شمار می‌رود که نقش بسیار اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هر کشور دارد. استقلال و تداوم یک جامعه به آموزش آن جامعه بستگی دارد (سیف، ۱۳۷۳). ورود به آموزش و پرورش نقطه آغازی برای حرکت در مسیر رشد و بالندگی است، در جهان امروز با توجه به پیچیده شدن فرآیند توسعه نیاز به آگاهی و دانش بیشتر شده است و تصور دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصاد بدون سرمایه‌گذاری آموزشی اساساً محال می‌باشد. آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که مسئولیت مهمی در تربیت و آموزش بر عهده دارد. نگاه گسترده به آموزش و پرورش به عنوان عامل مؤثر در به کمال رساندن انسان‌ها اهمیت این نهاد را نشان می‌دهد. آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری درازمدتی است که با شکوفایی استعدادها و جهت‌دادن به آن‌ها چگونگی رشد اقتصادی، اجتماعی جوامع را روشن می‌سازد.

آموزش حق طبیعی هر انسان و جزء اصول بدیهی زندگی به حساب می‌آید. طبق ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید همه افراد حق دارند از آموزش‌های مقدماتی عمومی رایگان بهره‌مند شوند. ادامه تحصیل در جهان به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود و جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و در اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصلی تحت عنوان حقوق ملت آمده است که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و وسایل و تسهیلات تحصیل دوره عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. آموزش و پرورش نجات‌دهنده هر جامعه از رکود و انحطاط و توسعه‌دهنده آن در جهت ترقی و پیشرفت است و به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت افراد و

جامعه دارد و این آموزش و پرورش است که مسؤولیت عظیم باروری، رشد و شکوفایی همه جانبه استعدادهای نسل کنونی و آتی جامعه را به عهده دارد. نظام آموزشی می تواند نابرابری های اجتماعی را کاهش دهد، نردبانی باشد برای ارتقای افراد از طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین تر به طبقه بالاتر، موقعیت شغلی و اقتصادی بهتر و مرتبه اجتماعی بالاتری برای آنان فراهم کند. این نهاد در نیل به اهداف از مشکلات فراوانی رنج می برد که یکی از مهم ترین مسائل نظام های آموزش و پرورش در جهان ترک تحصیل و اتلاف در آموزش می باشد که هر ساله مبالغ مادی و معنوی و انسانی قابل توجهی از این بابت تلف می شود. در کشورهای جهان سوم این معضل به شدت رو به افزایش است. بنابراین تحقیق برای شناخت و تجزیه و تحلیل علل ترک تحصیل برای برنامه ریزی بهتر و افزایش کارایی نظام آموزش و پرورش ضروری می باشد. با یافتن علل و عوامل ترک تحصیل و کارایی نظام آموزشی را های مقابله با آن مشخص می شود و در نتیجه با نگرشی سریع و دقیق می توان از اتلاف منابع مالی و انسانی تا حد زیادی جلوگیری کرد. ترک تحصیل امروزه یکی از نگرانی های مهم جامعه و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش آموزان در کشورهای مختلف جهان با این پدیده مواجه اند. این پدیده علاوه بر زیان های هنگفت اقتصادی که برای خانواده ها دارد، سلامت روحی دانش آموز را نیز مخدوش می نماید. ترک تحصیل علاوه بر آثار سوء اقتصادی، در شکل ملی تاثیر ناگوار بر سلامت روانی دانش آموزان داشته و نگرانی نامطلوبی برای خانواده ها به دنبال دارد. ترک تحصیل روندی است که به مرور زمان شکل می گیرد. از این دیدگاه علایم خطر برای دانش آموزانی که در معرض ترک تحصیل قرار دارند از سال دبستان به چشم می خورد. بر اساس پژوهش های جدید سالیانه ۲۵ درصد و بیش از آن دانش آموزان به ترک تحصیل می پردازند و این درصد در جهان می باشد که در کشور ایران میانگین این درصد بیشتر است و حدود ۳۷ درصد می باشد. در روند کاهش جمعیت دانش آموزی که در یک برهه زمانی گذشته به ۱۸ میلیون نفر کاهش یافته بود تعداد کسانی که به تحصیل ادامه دادند ۱۲ میلیون نفر بودند که شش میلیون نفر به جرگه ترک تحصیلی پیوستند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴). از آنجایی که عوامل متعددی وجود دارد که بر آموزش و پرورش تاثیر دارد و این عوامل بیش از پیش بر تعداد ترک تحصیل دانش آموزان می افزاید. در استان سیستان و بلوچستان نیز به دلیل نبود تحقیقات کافی در این زمینه و مشخص نبودن وضعیت استان که چه میزان ترک تحصیل دانش آموزان در دوره ابتدایی وجود دارد و نیز به دلیل شرایط خاص منطقه از جمله: پراکندگی بیش از حد، صعب العبور بودن مناطق، فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و تعصبات منطقه ای و دو زبانه بودن دانش آموزان مسأله ترک تحصیل شدت بیشتری دارد. به طوری که در سال های اولیه دوره آموزش ابتدایی شاهد میزان بالایی از ترک تحصیل دانش آموزان هستیم که باعث معضلات و مشکلاتی همچون انحرافات اخلاقی، انحرافات رفتاری و جنسی، قاچاق کالا یا گرفتار دام اعتیاد و بروز انواع مشکلات روحی و روانی کودکان و ایجاد آمادگی برای انحرافات اجتماعی و اشتغال در سنین پایین و ازدواج زود هنگام دختران و سبب مشکلات دیگری می گردد. با توجه بر دامنه اثرات نامطلوب ترک تحصیل که مهم ترین عامل آن فقر اقتصادی و در وهله دوم فقر فرهنگی می باشد این پژوهش بر آن است سهم آن عوامل را بررسی نماید.

اهداف تحقیق

مهم ترین عاملی که سبب ترک تحصیل و یا بی سواد ماندن افراد جامعه می شود فقر است و این فقر هم م به گفته دکتر امان الله قرایی مقدم که جامعه شناس است دو نوع دارد: فقر اقتصادی و فقر فرهنگی. دکتر قرایی می گوید: «فقر فرهنگی به مراتب از فقر اقتصادی مهم تر است زیرا انگیزه تحصیل در فقر فرهنگی کمرنگ می شود در حالی که گاه با وجود فقر اقتصادی شدید افراد با انگیزه به تحصیلات عالی دست یافته اند.» در این پژوهش به بررسی تاثیر فقر اقتصادی و فقر فرهنگی بر تحصیلات دانش آموزان سیستان و بلوچستان پرداخته می شود.

پیشینه پژوهش

در رابطه با تحصیلات دانش آموزان و رابطه پیشرفت و افت با آن ها و هم چنین اینکه چه مسائلی سبب پیشرفت یا افت تحصیلی آن ها می گردد، پژوهش هایی صورت گرفته است که می توان به مقاله تاثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان نوشته علیاصغر احمدی و سید حسن تقوی اشاره کرد که در سال ۱۳۸۲ در فصل نامه پژوهش زنان به چاپ رسیده است و در آن تاکید شده مادران شاغل اگر در رده بالای اجتماعی مشغول باشند تاثیرات مثبتی بر پیشرفت فرزندان داشته و باعث شده آنان نیز به خودتکابی مثبت دست یابند ولی اگر در رده اجتماعی و همراه با تنش مشغول به کار بوده اند تاثیرات منفی داشته اند. مقاله دیگری با عنوان بررسی عوامل مؤثر (درون_برون سامانی) بر افت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان چابهار که توسط دکتر عبدالوهاب پورقاز نوشته شده و در مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است، نتیجه آن نشان می دهد که عواملی از قبیل سیستم اداری آموزش و پرورش و عوامل محیطی و اقتصادی بر افت تحصیلی دانش آموزان تاثیر بسزایی دارد.

اما پژوهشی که بخواهد تاثیر فقر اقتصادی و یا فقر فرهنگی را بر تحصیلات دانش آموزان بلوچستان مورد بررسی قرار دهد صورت نگرفته است و این پژوهش نشان می دهد که عامل فقر یکی از مهم ترین عامل حاکم بر سیستان و بلوچستان است که سبب شده است بسیاری بی سواد بمانند و یا ترک تحصیل کنند و باید برای اینکه این روند رو به کاهش رود راه کارهایی را انجام داد تا لاقبل بتوان از رشد فقر اقتصادی و فرهنگی جلوگیری نمود.

روش تحقیق

با عنایت به ماهیت تحقیق که درصدد بررسی مفهوم کیفی است، روش بررسی نیز کیفی است به گونه ای که در ابتدا به فرهنگ و آموزش و پرورش و بعد از آن به موقعیت فرهنگی و اقتصادی استان سیستان و بلوچستان می پردازد که تاثیر ناگواری بر سواد و تحصیلات افراد جامعه خود گذاشته است. روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و گزارشات انجام شده می باشد.

فرهنگ و پیشرفت تحصیلی

در ساختار آموزشی معیاری که برای سنجش میزان دست یابی به اهداف تربیتی در نظر گرفته شده پیشرفت تحصیلی است. در واقع مهم ترین هدف عینی هر نظام تعلیم و تربیت ارتقا پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان آن جامعه است. باتوجه به اهمیت عملکرد تحصیلی لازم است عواملی که بر آن تاثیر می گذارند، مورد شناسایی قرار گیرند. عوامل رفتاری فردی و اجتماعی نیز بی تاثیر بر تحصیلات فرد نمی باشند. از دیدگاه بندورا سه عاملی که تعیین کننده رفتار انسان به حساب می آیند: عوامل شخصی (باورها، انتظارات و نگرش ها)، رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی)، رفتارها (عملی و کلامی) که با یکدیگر تاثیر متقابل دارند. رویدادهای محیطی همان عوامل فرهنگی می باشند که رابطه ای مستقیم با تفکرات افراد جامعه دارد که بر هر یک از اعضای آن جامعه یا گروه تاثیر گذار است.

فرهنگ شامل الگوهای رفتاری، اعتقادات و تمام دستاوردهای گروه خاصی از مردم است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شوند. گستره فرهنگی می تواند متغیر باشد اما این اندازه هر چقدر باشد فرهنگ گروه روی رفتار اعضای آن تاثیر می گذارد (سانتراک، ۲۰۰۶). این واقعیت بدیهی است که محیط های یادگیری از فرهنگ حاکم بر آن محیط و جامعه تاثیر می پذیرد. قوم بلوچ است. بلوچستان از آنجایی که در نزدیکی مرز پاکستان قرار دارد و وجود قوم بلوچ در پاکستان سبب تعاملاتی بین آن ها گشته و فرهنگ آن را دچار اختلال کرده است زیرا وجود قومیت گرایی مهم ترین عاملی است که با فرهنگ رابطه ای مستقیم دارد. این استان بر اساس موقعیت جغرافیایی دستخوش ناامنی های زیادی از قبیل قاچاق مواد مخدر و وفور سلاح های جنگی و مهاجرت قشر افغان به بلوچستان که کاملاً هویداست و تمامی این مسائل سبب متوقف شدن رشد فرهنگ در میان قوم بلوچ شده است. هنگامی که منطقه ای دارای امنیت نباشد اعتماد و خودکفایی خود را از دست می دهد و مشکلات زیادی برای افراد آن جامعه فراهم می آورد و پرداختن به این گونه مشکلات دیگر مجالی را باقی نمی گذارد که قوم بلوچ بتوانند به رشد فرهنگی و اقتصادی خود بیاورند و این روند بر فرزندان آن ها تاثیر می گذارد و افت تحصیلی و نداشتن پیشرفت علمی در میان بلوچ ها به اوج خود می رسد.

مسائل اقتصادی آموزش و پرورش در کلام رهبری

اقتصاد آموزش و پرورش: یکی از الزامات اساسی آموزش و پرورش مسأله اقتصاد آموزش و پرورش؛ معیشت معلمان می باشد. لذا می بایست مسأله معیشت معلمان مورد توجه قرار گیرد.

«خب، این الزاماتی دارد. یکی از الزامات، همان مسأله اقتصاد است که عرض کردم؛ اقتصاد آموزش و پرورش، معیشت معلمان، یکی از الزامات است. محدودیتهای دستگاه های دولتی را می دانیم؛ بیگانه نیستیم از محدودیتهای و اشکالاتی که وجود دارد ولیکن بایستی همت در مسئولین دولتی این باشد که این بخش را مورد یک توجه ویژه قرار بدهند. همان طور که عرض کردیم، این سرمایه گذاری است؛ این بازده دارد؛ این ارزش افزوده تولید می کند؛ این یک خرج و هزینه صرف نیست؛ این بایستی جزو مسائل درجه یک ما در مدیریتهای دولتی و در تصمیم های دولتی باشد. ما نکنیم، دشمن سوء استفاده می کند؛ می بینید دیگر. از همین نقطه، دشمن با رسانه خود، در رادیوی خود، با عوامل خود، با آدمهای بددل نسبت به نظام و نسبت به اسلام، با این ابزارها و وسائل دشمن سوء استفاده خواهد کرد. البته معلمان ما، هم بیدارند، هم نجیبند، هم مؤمنند؛ حقیقتاً این را من اعتقاد دارم؛ در طول این سالها این را آزمودیم، امروز هم در سطح کشور می بینیم؛ معلمان ما از توطئه دشمن غافل نیستند. اینهایی که با عنوان «معیشت» یک شعاری می دهند، چند شعار فتنه گرانه و سیاسی و خطی هم در پهلویش می گنجانند، این را همه کس می فهمند که انگیزه اینها انگیزه سالمی نیست، برای دلسوزی از معلم نیست، هدفهای دیگری دارند. کمالینکه فلان رسانه خارجی که شروع می کند روی این مسأله فعالیت کردن - که می بینید همین حالا هم مشغولند، از مدتی پیش بیشتر مشغولند

- این از روی دلسوزی نیست؛ این برای مشکل درست کردن برای نظام است، برای دردرس درست کردن برای نظام است؛ از روی بددلی و کینه جویی نسبت به اسلام و نسبت به استقلال کشور و نسبت به نظام جمهوری اسلامی است؛ ولی بالاخره بهانه دست اینها نباید داد. دستگاه های دولتی و مسئول مسائل مالی و اقتصادی به این نکته توجه کنند؛ این را جزو برنامه های اصلی خودشان قرار بدهند. این یک مطلب است. البته همان طور که عرض کردیم معلمین باید مراقب باشند و هستند؛ خوشبختانه معلمین ما مراقبند. [اینکه] بعضی ها جفای به نظام را، جفای به انقلاب را به هر شکلی بتوانند انجام می دهند -نیش خودشان را می زنند، زهر خودشان را می ریزند، با نظام بدند - از روی بغض به نظام است، نه از روی محبت به معلم؛ هر شعار دیگری هم پیدا کنند، همین استفاده را می کنند.»

ژئوپلیتیک سیستان و بلوچستان

این استان با وسعتی حدود ۲۰۵۷۸۱ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی ایران واقع شده و از این لحاظ پس از استان کرمان در رتبه دوم قرار دارد. جمعیت آن نیز تا سال ۱۳۸۹ بیش از دو میلیون و هفت صد هزار نفر برآورد شده و از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان و از غرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود گردیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۸۹). این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل یافته است، سیستان شامل زابل و شهرهای اطرافش است و بلوچستان دربرگیرنده بقیه شهرها از زاهدان تا چابهار می باشد (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۸: ۲). به همین دلیل در این استان دو ناحیه فرهنگی دیده می شود. ناحیه فرهنگی سیستان که بخش های شمالی استان با مرکزیت زابل را تشکیل می دهد و ناحیه فرهنگی بلوچستان که قوم بلوچ را در خود جای داده است. بلوچستان ایران فقط بخشی از سرزمینی است که بلوچ ها در آن ساکن هستند، چراکه بلوچستان بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده است. بلوچستان ایران از نظر وسعت دومین منطقه بلوچ نشین است. عدم تجانس مذهبی و قومی بین این قسمت از کشور و بخش مرکزی ایران همواره مشهود بوده است.

در کنار عوامل انسانی، عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی نیز تأثیر فراوانی بر این امر دارند. به طور ی که این منطقه به وسیله بیابان ها و کویرهای لوت و مرکزی از مرکز ایران دور مانده است. با توجه به این که بعد مسافت حجم ارتباطات را تقلیل می دهد و فرآیند ادغام اجتماعی اقوام مختلف را با مشکل مواجه می کند؛ در نتیجه بلوچ ها در سرنوشت ملی کمتر شریک شده و در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی برعهده نداشته اند (اطاعت؛ موسوی، ۱۳۹۰: ۷۷). از طرف دیگر بلوچ ها پیرو مذهب حنفی اهل سنت هستند، در حالی که مردم ناحیه سیستان شیعه اثناعشری می باشند و از این رو گرایش های مذهبی هرکدام متفاوت می باشد. مردم سیستان به جمهوری اسلامی و ایدئولوژی آن متمایل هستند ولی اهل سنت بلوچستان متأثر از فرهنگ سنی پاکستان می باشند.

جنوب شرق کشور دارای پتانسیل های اقتصادی مهمی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی است؛ مرز مشترک آبی با کرانه های دریای عمان و تسلط این منطقه بر یکی از راهبردی ترین مسیرهای آبی جهان، هم جوار با دو کشور افغانستان و پاکستان و نزدیکی به جمهوری های محصور در خشکی ضلع شمال شرق ایران، از ویژگی های این منطقه محسوب می شود. دریای عمان که جزو حوزه استراتژیک اقیانوس هند است به عنوان یکی از پنج منطقه استراتژیک جهان مطرح می باشد که گذرگاهی بااهمیت به سمت خاورمیانه، جنوب شرق آسیا، شبه قاره هند و سراسر آسیای جنوبی شمرده می شود که روزانه میلیون ها بشکه نفت و حجم وسیعی از کالا و سرمایه از این طریق مبادله می گردد (حافظ نیا؛ رومینا، ۱۳۸۴: ۴۳). این منطقه می تواند حجم وسیعی از کالاهای وارداتی و صادراتی کشور را نیز جابهجا نماید. کارکردهای اقتصادی جنوب شرق ایران شامل پایه گذاری مناطق آزاد تجاری، توسعه صنایع سنتی و صنعتی، دسترسی به دریاهای آزاد جهت گسترش اقتصاد شیلات، گسترش کشاورزی و دارا بودن مسیرهای بزرگ ترانزیت کالا به اروپا، کشورهای مدیترانه و هندوستان می باشند. بندرها و خلیج های گواتر، چابهار، پزم و جاسک نیز از اهمیت ترانزیتی بالایی برخوردارند.

فقر مانع از پیشرفت تحصیلی در سیستان و بلوچستان

در اصل فقر موضوعی صرفاً اقتصادی نیست بلکه از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه فیلسوفان، مورخان و جامعه شناسان و اقتصاددانان بوده است (لابن، ۱۳۵۹: ۴۷). به طور کلی از اوایل قرن نوزدهم تفاوت میان نحوه زندگی مردم مناطق مختلف جهان شناخته شده و بروز نابرابری ها و بی عدالتی ها و عواقب آن ها چه در درون جوامع و چه در میان جوامع مختلف، اندیشمندان و نظریه پردازان را به ارائه فرضیاتی پیرامون علل پیدایش نابرابری و فقر اقتصادی_اجتماعی واداشته است. با آغاز فرایند صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم پدیده فقر همواره به نحوی از افکار جوامع بشری را به ویژه در کشورهای در حال توسعه به خود مشغول کرده است. این جوامع، با توجه به سطح قرار گیری هر یک در مدار توسعه به حل این معضل پرداخته و با اتخاذراهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع و بر آن

شده اند تا در کشور خود شرایط زندگی مردم را بهبود بخشند. در کشورهای جهان سوم گروه کثیری از مردم از اثرات توزیعی این راهبردها به دلایل گوناگون برخوردار نشدند و شکاف های اقتصادی و اجتماعی و نیز گسترش پدیده فقر نمایان تر شد.

یکی از ضرورت های پرداختن به مسئله فقر آن است که وجود فقر چشمگیر در میان افراد جامعه و پایداری آن موجب شکل گیری نوعی فرهنگ فقر می شود که خروج از آن به مراتب دشوارتر از خروج از فقر است. همچنین فقر موجب پدیدار شدن نابهنجاری های اجتماعی و فساد در جامعه می شود و فرهنگ فقر از نسلی به نسل دیگر تداوم می یابد (مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۷:۶).

استان سیستان و بلوچستان در فقر مطلق به سر می برد و شرایط ناعادلانه و غیرانسانی محیط زندگی انسان فقیر، او را وادار به تلاشی دائم و دردناک برای تداوم حیات می کند. بیکاری سرپرستان خانواده باعث می گردد که کودک در همان ابتدا با شرایطی سخت درگیر گردد و او در سراسر زندگی با محیط اطراف در ستیز باشد.

در واقع مردم بلوچ به فرهنگ فقر که مجموعه بهم پیوسته ای از ویژگی های خانوادگی، رفتاری، نگرشی و شخصیتی است خو گرفته اند و با شرایط نامساعد مالی آن عادت کرده اند و با آن سازگاری می کنند و به سبب دگرگونی های سریع و وسیع در جامعه و موقعیت پائینی که برای خود احساس می کنند از جامعه جدا شده و فاصله گرفته اند و کم کم فرهنگ جدیدی را که با فرهنگ عموم جامعه متفاوت است، ایجاد می کنند.

البته منطقه بلوچ نشین این استان که مناطق زاهدان و چابهار و ایرانشهر و خاش و میرجاوه و روستاهای اطرافشان می باشد به شدت دارای وضعیت اقتصادی نابسامانی می باشند و شاید قابل باور نباشد که ۴۰ درصد مردم چابهار زیر خط فقر روزگار خود را سپری می کنند و مناطق حاشیه نشین بلوچستان به طور ناباورانه تصویری وحشتناک اما واقعی از فقر مطلق، شیوع بیماری و ناامیدی حاکم بر زندگی ترسیم می کند.

در گزارشی که حبیب الله فاتح در هفدهمین آیین کوچه گردان عاشقی در سال ۹۵ در روستای گزو خاش تهیه کرده بود بیان می کند که معلمان با کمترین امکانات در مدرسه محل خدمت خود شب ها و روزها را سپری می کنند و خود ساختمان مدارس و امکاناتش اصلاً با استانداردهای آموزشی سازگاری ندارد و این در حالیست که در کلام رهبری به اقتصادمعلمین و آموزش و پرورش ها اهمیت داده شده است. همچنین در این گزارش ذکر شده است که ۱۲۰ هزار دانش آموز محروم از تحصیل در سیستان و بلوچستان وجود دارد و تمامی این ها ناشی از فقر حاکم در سیستان و بلوچستان می باشد. همچنین به دلیل نبود مدارس کافی در مقاطع مختلف تحصیلی و فاصله زیاد روستاها و شهرها و همچنین جاده های نامناسب و خطرناک، کودکان در مناطق روستایی و دورافتاده امکان تحصیل در مقاطع بالاتر را از دست می دهند؛ این مورد به خصوص در مورد دختران بیشتر وجود دارد.

حتی در خانواده هایی که پدران آن ها بیکار می باشند کودکان مجبور می شوند از همان اوان کودکی به کار بپردازند و حتی به تکدی گری مشغول شوند و این انگیزه تحصیل را از آن ها دریغ می دارد. در خانواده هایی که مادر خرج خانوار را با کارهایی مانند سوزن دوزی یا خیاطی به عهده می گیرد و با زحمات زیادی فرزندان خود را به تحصیل و می دارد کودکان در سنین پایین مشغول به تحصیل می شوند اما هنگامی که سنشان بالاتر می رود و سختی های تحمیل شده بر مادر را برای مخارج تحصیل خود می بینند دیگر انگیزه خود را از دست می دهند و سعی می کنند با سن کم و کار اندک این بار را از دوش مادرشان بردارند.

لوییس هافمن اعتقاد دارد که اشتغال مادران بر کودک اثرات منفی می گذارد و حتی بر پیشرفت تحصیلی آن ها البته به نوع جنس فرزند اثراتی منفی بر جای می گذارد و بین تنش شغلی مادران و پیشرفت تحصیلی فرزندان همبستگی منفی وجود دارد.

در پژوهشی که در دانش آموزان چابهار صورت گرفته بود مشخص گردید که عامل اقتصادی با داشتن ۵ عامل از قبیل: عدم اشتغال والدین، فقر والدین، بیکاری فارغ التحصیلان و وجود مشاغل کاذب و نقش منطقه آزاد ۹۹ درصد بر افت تحصیلی دانش آموزان تاثیرگذار بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که فقر بسامد بالایی در این منطقه دارد و مانع از ادامه یا پیشرفت گردیده است.

طبق آمار به دست آمده در سال جدید و طبق گفته معاون مدیر کل و رییس آموزش و پرورش در استان ۵۴۳ هزار نفر بی سواد وجود دارد و این آمار بسیار بالایی است. در واقع نبود سواد و آموزش کافی در جامعه آسیب های فراوانی به جامعه تحمیل می کند. هم چنین وزیر آموزش و پرورش تصریح کرده است که آمار افراد کم سواد و ترک تحصیل کرده در کشور در استان سیستان و بلوچستان بسیار زیاد است.

افراد در رده سنی بین ۶ تا ۱۸ سال حدود ۱۲۰ هزار نفر در بلوچستان می باشند. بنابراین واضح و مشخص است که سیستان و بلوچستان یکی از محروم ترین استان های کشور است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با وجود موقعیت اقتصادی و جغرافیایی سیستان و بلوچستان در فقر مہلکی به سر می برد که این سبب شده مردم این استان رابطه ای کم رنگ تر با آموزش و پرورش داشته باشند. بیشترین آمار بی سوادی در استان سیستان و بلوچستان می باشد که به دلیل نبود امکانات و پرداختن کودکان در سنین پایین به کار و هم چنین در بسیاری از روستاها نبودن مراکز آموزشی و یالینکه روستاها و مناطقی وجود دارد که صعب العبور می باشند و فرستادن معلمین به آن مناطق نادیده گرفته شده است. برای حل این معضل پیشنهاداتی ارائه گردیده که باید به آن ها توجه گردد تا فرهنگ فقر تا حدودی در استان سیستان و بلوچستان کم رنگ گردد.

۱- همه ساله از طریق گروه های آموزشی در شهرستان ها، مناطق و مرکز استان گردهمایی هایی جهت طرح مسائل و مشکلات و ارائه راه حل های مناسب به منظور رفع آن ها برگزار گردد.

۲- به افراد متخصص بومی توجه کافی شود زیرا این افراد به دلیل آگاهی کافی از وضع فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی استان بهتر می توانند مشکلات را تشخیص دهند و به رفع آن ها اقدام کنند.

۳- اعطای کمک های مالی به خانواده های بی بضاعت توسط دولت و تهیه لوازم اولیه آموزشی برای دانش آموزان که سنین پایینی دارند و رسیدگی و مرمت محل های آموزشی در روستاها و مناطق دوردست.

۴- جلوگیری از اشتغال نوجوانان توسط دولت و تشویق آنان به ادامه تحصیل.

منابع و مراجع

- [۱] بیانات رهبری در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۶/۲/۱۳۹۴
- [۲] اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا، رابطه متقابل ناحیه ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تاکید بر سیستان و بلوچستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم شماره ۱، ۱۳۹۰
- [۳] سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸
- [۴] مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۹
- [۵] حافظ نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم، تحلیل ظرفیت های ژئوپلیتیک جنوب شرق و تاثیر آن بر منافع ملی ایران، مجله ژئوپلیتیک، شماره ۲، ۱۳۸۴
- [۶] باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴
- [۷] لابن، ژان، جامعه شناسی فقر (جهان سوم و چهارم)، ترجمه جمشید بهنام، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹
- [۸] سانتراک، جان، دلیو، روان شناسی تربیتی، ترجمه شاهده سعیدی و دیگران، تهران: رسا، ۲۰۰۶
- [۹] سیف ، علی اکبر، روان شناس. ۱۳۷۰